



## سیما و بافت شهرهای اسلامی

پدیدآورنده (ها) : میرمحمدی، حمید رضا

علوم قرآن و حدیث :: نشریه مشکوة :: زمستان ۱۳۷۵ - شماره ۵۳ (ISC)

صفحات : از ۱۷۸ تا ۱۸۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/52971>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۵/۰۱/۱۷

**کاربر گرامی، فایل دائلود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.**

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- نقش نهاد وقف در شکل‌گیری و گسترش شهرهای اسلامی (مطالعه موردی؛ بافت تاریخی شهر بیرجند)
- بافت قدیم شهرها جلوه‌ی فرهنگ مادی و معنوی شهرهای اسلامی مورد بافت قدیم شهر خواف
- بررسی تأثیر توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد صومعه سرا بر توسعه فضایی - کالبدی شهرهای صومعه سرا، تولم شهر و گوراب زرمیخ
- سنجش، ارزیابی و تبیین دل‌بستگی به خدا در بافت و فرهنگ اسلامی
- برنامه‌های سبک زندگی در سیمای جمهوری اسلامی ایران و شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان؛ تحلیل و بررسی برنامه‌های آموزش آشپزی در شبکه‌های سیما، شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و فرمت‌های بین‌المللی
- بهره‌مندی، رضایت و اعتماد دانشجویان علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی از محتوای اخبار ۲۰:۳۰ شبکه دوم سیما و نقش آن بر نگرش آنها
- تاثیر جنگ رسانه‌ای صدا و سیما غرب علیه جمهوری اسلامی ایران
- مطالعه میزان تاثیر فقه و قوانین اسلامی در ساختار محله‌ها و سازه‌های مسکونی بافت تاریخی شهر یزد، نمونه موردی: محله گلچینان شهر یزد
- سنجش میزان محرمیت خانه‌ها در راستای سبک زندگی اسلامی-ایرانی؛ (مطالعه موردی: بافت قدیم و جدید شهر یزد)
- بازنمایی مصرف در تبلیغات بازرگانی تلویزیون جمهوری اسلامی ایران (شبکه اول و دوم سیما)

# سیمای و بافت شهرهای اسلامی

میرمحمدی  
دانشگاه پیام نور خوانسار

سیمای جغرافیایی شهرهای دنیای اسلام خود آینه‌ای است بر مظاهر تمدن اسلامی. اسلام در عین جهانشمولی در شهر زاده شد و در شهر گسترش یافت. در سیر تاریخی اسلام‌گرایی در قلمروهای اسلامی شهرهای بزرگی رشد یافتند که شهرهای کانونی اسلام را از هر حیث پشت سر نهادند و شمار شهرهای کوچک و متوسط نیز افزون‌تر شد<sup>۱</sup> بیشتر، تأثیر آیین مقدس اسلام را در نامگذاری شهرها و روستاها مطرح کردیم<sup>۲</sup> و اینک برآنیم تا تأثیر اسلام را بر سیمای بافت شهرها پی گیریم. مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علوم اسلامی

بطور کلی شهر در دوره‌های قبل از اسلام و در ایران باستان، طی دوره‌ای نسبتاً طولانی، تحوّل تدریجی خود را از نظامی تا اجتماعی پشت سر نهاد و تغییر شکل یافت. این تغییرات در ساختار اجتماعی - اقتصادی و با تغییر در ساختار فیزیکی در بخشهای زیر تحقق یافته است. ۱- کهندژ که هسته اول شهر را تشکیل می‌داد و شامل قصر یا کاخ امپراتوری و بخش نظامی بود. این بخش با حصارهای بلند خود از بخشهای دیگر جدا می‌گردید.

۲- شارستان (شهرستان) که محلات شهر را به وجود می‌آورد و محصور بود.

۳- بخش بیرونی شهر که «سواد» یا حومه خوانده می‌شد و شامل مزارع و باغات بود.<sup>۳</sup> ورود مسلمانان به ایران و فتوحات آنها برخلاف دیگر تهاجمهای تاریخ نه تنها اثر تخریبی بر شهرهای ایران برجای نگذاشت بلکه در اندک زمانی زمینه‌های رشد سریع آنها را فراهم آورد. هر چند اعراب تقریباً هیچ تجربه باارزشی در زمینه شهرسازی نداشتند اما جهانشمولی اسلام و گسترش سریع آن و جذب جنبه‌های ارزشمند تمدن و فرهنگ سایر مناطق، تمدن و

فرهنگی را پدید آورد که قرن‌ها در جهان بی‌نظیر و شهرة آفاق بود. شهرهای دوره اسلامی همچون دوره پیش از اسلام از سه بخش اصلی به نام «کهندژ»، «قهندژ»، «شارستان» و «ربض» تشکیل می‌شد. کهندژ بخش حکومتی مقرر حاکم و برخی نهادهای حکومتی بود و عموماً در وسط شهر و روی تپه‌ای طبیعی و بندرت بر خاکریزی ساخته می‌شد تا از نظر دفاعی در وضع مناسبی قرار داشته باشد. پیش از اسلام به این بخش «کیاخره» می‌گفتند. شهرهایی نیز (همانند نیشابور) بوده‌اند که کهندژ آنها در خارج شهر قرار داشته و ربض (حومه، بیرون) اطراف آن گسترش یافته. «ابن حوقل» در مورد نیشابور می‌گوید: «کهن‌دژ در بیرون شهر است و هر دو از کهندژ و شهر را ربض فرا گرفته».<sup>۴</sup> شارستان یا شهرستان به بخش اصلی شهر که محل زندگی مردم بود اطلاق می‌شده است. در هر شهری در آغاز مسجد جامع و بازار و برخی از بناهای حکومتی در شهرستان طرح می‌شد و در حومه شهر مزارع و باغات و روستاها بوده است که به آن ربض می‌گفتند. شارستان همیشه و ربض غالباً دارای بارو و حصار عظیم بود. در این دوره، شهرهایی که حصار برای مواقع خطر دور آن بنا نشده باشد، به ندرت یافت می‌شود. در دوره رشد سریع شهرها بسیار اتفاق می‌افتاد که ربض اهمیت می‌یافت و بازار و جامع و در مواردی چند دارالحکومه در آن بنا می‌شد. گاه شهرستان رو به ویرانی می‌رفت در حالی که ربض از رونق و فور دادوستد برخوردار بود. «اصطخری» در وصف ری می‌نویسد: «و شارستان بیشتر خراب است و ربض آبادان است».<sup>۵</sup> گاهی نیز ربض و شارستان یکی می‌شد چنان که «بخارا» در قرن سوم هجری چنین شد.<sup>۶</sup>

---

## سیمای جغرافیایی شهرهای دنیای اسلام خود آینه‌ای است بر مظاهر تمدن اسلامی.

---

شهر اسلامی پیش از آن که منزلگاهی برای قافله‌های عازم نواحی دوردست یا رباطی برای حمایت از مؤمنان در برابر هجوم دشمنان باشد مأمّن شیوه‌ای از زندگی بود که در آن همگان در تصمیم‌گیری و اجرای امور مشارکت داشتند. مسجد نخستین وجه تمایز شهر اسلامی از «ده» بود. شهرهای اسلامی از نظر حقوقی در آغاز نوعی ویژگی داشتند که وجه تمایز آنها از روستاها به‌شمار می‌آمد و آن داشتن جامع و منبر بود. هر شهری نیز باید تنها یک جامع می‌داشت که نماز جمعه در آن برقرار می‌گردید. این ترتیب مدتی پایدار بود تا آن که در بسیاری از شهرها مسجد

جامع ظرفیت پذیرش نمازگزاران را نمی‌داشت و در مقابل در بعضی شهرها همان جامع نیز رونقی نداشت به همین جهت عده‌ای خواستار ایجاد چند جامع در شهرهای بزرگ شدند. اما دستگاه خلافت تا مدتها با این خواست مخالفت می‌کرد تا این که سرانجام تاب مقاومت نیاورد و تعداد جامع در شهرهای بزرگ رو به فزونی گذاشت. بغداد با وجود بیست و هفت هزار مسجد و محراب و اماکن متبرک تنها دارای دو مسجد جامع بود که هر کدام در یک سوی دجله قرار داشتند. پس از آن که محدودیت فوق برداشته شد در قرن دوازدهم میلادی «ابن جبیر» شاهد یازده مسجد جامع در بغداد بود. بتدریج برخی از روستاهای آباد نیز خواهان داشتن جامع برای اقامه نماز جمعه شدند.<sup>۷</sup>

در شهرهای اسلامی سنتی، هر محله مسجدی داشت که علاوه بر عبادت، آموزش افراد محله را نیز به عهده می‌گرفت. مسؤلان محلی در صورت نیاز به آسانی می‌توانستند با شهروندان تماس بگیرند و اطلاعات لازم را کسب کنند. در این‌گونه شهرها براساس احساس دینی از زندگی، استقلال هر مؤمن، حرمت حریم خانواده‌ها، و امنیت خلوت‌گزینی شکل گرفته بود. این طرز تلقی از زندگی کاملاً در ساخت کالبدی شهرهای اسلامی مؤثر افتاده است، بادوام بودن مرزهای محلات و خانه‌ها، بن‌بست بودن کوچه‌ها و محله‌ها، داشتن نوعی استقلال در واحدهای مسکونی و زندگی مشترک همه مردم محله نمونه روشن آن است. هر بازار محله برای طبقه کم‌درآمد، محل اشتغال به شمار می‌رفت. محله به مثابه خانه خانواده‌ها بود و وابستگی محله‌ای بسیار عمیق می‌نمود. حریم محله محترم شمرده می‌شد. نوعی بازار با اصناف جداگانه، چند کاروانسرا و گرمابه نیز در آن وجود داشت. دنیای کوچکی بود با تشکیلات متحدالمرکز و مبتنی بر سلسله مراتب که آرمان مذهبی و اجتماعی اسلام در آن تجسم یافته بود. دنیایی که در آن مردم با یکدیگر می‌زیستند، با یکدیگر عبادت می‌کردند و آرمان مشترک داشتند. هدف گردآمدن بود نه پراکنده شدن، یگانه گشتن بود نه جدا شدن.<sup>۸</sup>

### سیمای جغرافیایی شهرهای اسلامی

بی‌تردید شهرهای دوره اسلامی از جهات گوناگون تحت تأثیر تمدنهای پیشین بسویژه دو تمدن ساسانی و رومی قرار داشته است؛ زیرا از طرفی با تسلط مسلمانان بر کشورهای اطراف، شماری از شهرهای قدیمی رومی و ایرانی در قلمرو دولت اسلامی قرار گرفت و از سوی دیگر

در بنای شهرهای نوینباد مانند بغداد، به کار گرفتن مهندسان و معماران و کارگران هنرمند ایرانی معمول بوده است. در عین حال مسلمانان ویژگیهای فرهنگی خود را به نحو تحسین آمیزی به شهرهای زیرنفوذ خود نهاده‌اند و تمیز شهر اسلامی را از دیگر شهرها آسان ساخته‌اند.<sup>۹</sup> در شهرهای اسلامی و سنتی بخش مرکزی شهر به جزیره‌ای می‌ماند که اطراف آن را شبکه‌ای از پیاده‌روها احاطه می‌کرد. بخش مرکزی شهرها محیطی فیزیکی با ارزشهای اجتماعی، اقتصادی و پاسدار میراث‌های دینی و فرهنگی مسلمانان بود.

### ویژگیهای ساخت کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی

شهرهای ایران در دوره‌های پس از اسلام ابتدا با همان شکل اولیه به حیات خویش ادامه دادند. کهندژ شارستان و ربض که به عنوان اجزای اصلی شهرهای ایرانی زمان ساسانیان در ساخت شهرها پدید آمده بودند در سالهای اولیه نیز اجزای شهرهای اسلامی را تشکیل می‌دادند. بتدریج برطبق ویژگیهایی که شهرنشینی و شهرسازی پس از حاکمیت اسلام دارا شد تغییراتی در ساخت شهرها صورت گرفت. «توسعه شهرنشینی باعث گسترش حومه (ربض) شهرها شد، این حومه‌ها که در زمان ساسانیان از مهاجران و روستاییان ساکن در آنها تشکیل شده بود، از نظر شهری تکامل یافته و دارای فضاها و نهادهای شهری شده و اهمیت بیشتری نسبت به شارستان پیدا کرد.»<sup>۱۰</sup> بازارها که قبلاً در نزدیکی دروازه‌های شهر جای داشتند از یک طرف در امتداد راههای اصلی که به مرکز شهرها ختم می‌شد و از سویی دیگر در امتداد راهها و جاده‌های اصلی که به بیرون شهر ادامه داشت گسترش یافتند و دارای فضاها و عناصر داخلی و شهری شدند. هر قسمت و فضایی به عرضه یا تولید کالاهایی خاص اختصاص یافت و کاروانسراها و انبارهایی نیز برای جوابگویی به نیازهای جدید ایجاد شد. مساجد و بویژه مسجد جامع مرتبط با بازار از نظر فضا، و در نزدیکی ارگ (در مرکز قدیمی شهر) و یا در ربض ساخته شد. از بازارها که ستون فقرات شهر را تشکیل می‌دادند کوچهایی چون خط سیرهای ثانوی جدا می‌شدند. علاوه بر کاروانسراها، گرمابه‌ها، مدارس و انبارهای غله، آب‌انبارها، قهوه‌خانه‌ها و فضاهای دیگر شهری در نزدیکی ستون فقرات جای گرفتند. این شکل حیاتی به گفته‌ای، نمایشگر وحدت دینی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه سنتی است. مساجد که مهمترین ویژگی را نصیب شهرهای اسلامی کردند به عنوان ملاک تمایز شهر از «ده» در شهر جای گرفتند و همراه با ارگ و بازار،

عناصر سه گانه ساخت شهرهای اسلامی را تشکیل دادند. «با انتقال حیات و جنب و جوش شهرها از شارستان به حومه که محل سکونت و کار بازرگانان، کسبه و پیشه‌وران نیز بود، شهرسازی رشد و گسترش یافت و شهرهای ایرانی رنگ و بوی اسلامی به خود گرفتند. تقسیم شهر به اجزای مشخص کهندژ، شارستان و ربض جای خود را به مراکز دیوانی و نظامی، مراکز مذهبی، بازارها و محله‌های شهر دادند.»<sup>۱۱</sup>

### ویژگیهای سیمای شهرهای اسلامی

به تبعیت از تغییراتی که در روند شهرسازی شهرهای ایران پس از اسلام صورت گرفت، سیمای شهرهای این دوره نیز علاوه بر حفظ بعضی از خصوصیات گذشته ویژگیهای جدید را پذیرفته و شکلهای تازه پدید آوردند. سیمای هر شهر علاوه بر این که در هر زمانی و در فرآیند از رشد و توسعه خود شکل ویژه‌ای به خود می‌گیرد به دو بخش سیمای بیرونی و سیمای درونی قابل تقسیم است:

### شهرهای دوره اسلامی همچون دوره پیش از اسلام از سه بخش اصلی به نام «کهندژ»، «قهندژ»، «شارستان» و «ربض» تشکیل می‌شود.

در شناخت سیمای بیرونی شهرهای اسلامی می‌توان به نشانه‌هایی اشاره کرد که علاوه بر کاربردهای شهرنشینی، هدایت‌کننده مسافران به طرف مقصدهای آنان بوده‌اند. مناره‌ها در شهرهای اسلامی به خوبی چنین کارکردی داشته‌اند. در شناخت سیمای درونی شهرهای اسلامی در درجه اول می‌توان سردر مساجد، خانه‌ها، آب‌انبارها و بازارها را مشاهده کرد. کاشیکاری‌ها، قوسهای تزئینی و هنرنمایی‌هایی که در ساختن گنبد مساجد و یا ساختمانهای خصوصی و عمومی به کار می‌رفته، ویژگیهای زیبایی‌شناسانه سیمای شهرها را به نمایش می‌گذارند: «نشانه‌های مهمی که در سیمای داخلی شهرهای اسلامی به آنها اشاره شد نقش راهیابی را به خوبی در شهرها ایفا می‌کرده‌اند. به عنوان مثال مناره‌ها راهنمای عابرینی بوده‌اند که به طرف مساجد و یا فضاهای اطراف آنها و یا مراکز محلات و شهر حرکت می‌کرده‌اند.»<sup>۱۲</sup>

## عناصر اصلی شهرهای اسلامی - ایرانی

عناصر و اجزایی که در شهرهای کهن ایران وجود داشته‌اند دارای نوعی ارتباط متقابل فضایی یکپارچه و به هم پیوسته بوده‌اند. در شهرهای اسلامی فضاهایی مانند مسجد جامع، بازار، مرکز حکومت، فضاهای مسکونی و... ضمن آن که هر کدام جا، مرتبه و شخصیت خاص خود را در سلسله‌مراتب فضاهای شهری حفظ کرده و به ایفای نقش خود می‌پردازند، با هم مجموعه واحدی را پدید می‌آورند که شهر را از نظر فضا واحدی منسجم و به هم پیوسته نشان می‌دهد. عناصر اصلی مجموعه شهری در شهرهای اسلامی عبارتند از:

ارگ و بارو - ارگ مجموعه‌ای از ساختمانها و تشکیلات و سازمان حکومتی شهر را در خود جای می‌داده و مقرر حاکم بوده است. ارگ در ارتباط فضایی با بازار و مسجد جامع قرار داشته است. این خصوصیات در آثار به جای مانده بسیاری از قسمت‌های قدیمی شهرها قابل مشاهده است. در «سمرقند» و «بخارا» ارگ شهر، خود بخشی از قلعه بوده و در مجاور مراکز اقتصادی و مذهبی قرار داشته است. «اساساً پس از ظهور اسلام بقایای نظام شهری کهن‌دژی و شارستانی بتدریج از میان برداشته می‌شود و شهر با مفهوم اسلامی آن که متعلق به تمام اقشار و طبقات اجتماعی است شکل می‌گیرد. ارکان عمده شهر شامل دارالخلافه، دارالحکومه یا دارالاماره به جای کهن‌دژ ظاهر شده و سپس با ایجاد قصر امرا و پادشاهان مجموعه‌ای به نام ارگ را پایه‌ریزی می‌کنند که در فاصله‌ای با مسجد جامع و بازار سه رکن اساسی شهر را به وجود می‌آورند و در محدوده مرکزی شهر قرار می‌گیرند. در این میان ارگ به عنوان عنصر سیاسی از سایر عناصر جدا شده و با ایجاد حصار و بارو در اطراف آن به صورت کانون اصلی شهر تجلی می‌کند. بخش دوم شارستان از نظر شکل‌یابی با دوره‌های قبل از اسلام تفاوتی ندارد ولی از نظر محتوا کاملاً متفاوت است. عناصر فرهنگی - مذهبی، بازار و محلات در این بخش قرار دارند. اصناف، پیشه‌وران و اکثر طبقات و قشرهای مختلف مردم در این بخش زندگی می‌کنند.»<sup>۱۳</sup>

### مسجد جامع

به جز عنصر سیاسی که به نام‌های مختلف دارالخلافه، دارالاماره و دارالحکومه و نهایتاً ارگ وجود داشتند، شهرهای دوره اسلامی دارای دو پایه اصلی بودند: مسجد جامع و بازار. مسجد

جامع مرکز مذهبی - سیاسی بود و به عنوان مرکز روحانی شهر و منطقه زیر نفوذ آن، در محل مناسبی بنا می‌گردید. «مسجد جامع گاه به منزله مقر حکومت پیوند دهنده مذهب با حکومت بوده است مانند مساجدی که دارالاماره بوده‌اند همانند ارگ تبریز که به عنوان مسجد ساخته شد ولی بعدها مقر حکومت گردید. مسجد در شهر مهمترین بنای عمومی تلقی شده و در تفکرات مربوط به شهرسازی اسلامی موقعیت زیربنایی می‌یابد. با هجوم عرب و فتح نواحی و شهرهای مختلف، مساجد توسط آنها در شهرها ساخته می‌شد که نشانه مسلمان شدن رسمی اهالی شهرها بود. این مساجد ابتدا در کنار شهرها بنا می‌شد تا این که در طی زمان به گونه‌ای تازه قلب شهرها پذیرای آنها گردید.»<sup>۱۴</sup>

امروزه در شهرهای اسلامی به فراخور گستردگی و جمعیت آنان تعداد قابل توجهی مساجد بزرگ و کوچک وجود دارد که نقش عمده‌ای در منظر غالب شهرها تشکیل می‌دهند. و چهره و نمایی خاص به شهرها بخشیده‌اند همانند مسجد جامع یزد، مسجد جامع و مسجد امام اصفهان و... لازم به ذکر است که اکثر مساجد شهرها که در واقع کانونهای گرم شهرهای اسلامی اند دارای مناره‌ها و گنبد می‌باشند که بنا به فراخور ساخت آنها در سیمای شهرها چهره‌ای ویژه دارند. مناره‌ها که گاهی «گلدسته»، «گلبنگ» و «مأذنه» نیز نامیده می‌شوند اغلب دو و گاه کمتر یا بیشتر هستند. مناره اغلب مساجد با ساختمان مخصوص خود به کار تعیین قبله می‌آیند یعنی یا باید صفحه مار و مماس بر دو مناره از کعبه بگذرد یا عمود بر صفحه‌ای باشد که بر کعبه می‌گذرد که اگر از نوع اول باشد اهالی شهر می‌دانند هر جهت که دو مناره بر ردیف یکی دیده شود آن جهت یا قبله است یا جهت عمود بر قبله.<sup>۱۵</sup>

## بازار

دومین عامل اصلی در شکل‌گیری شهرهای اسلامی بازار است. هر شهر حداقل یک بازار به صورت خطی داشت که از دروازه آغاز و به میان شهر می‌رسید و در پیرامون مسجد جامع امتداد می‌یافت. بعضی بازارها از یک دروازه تا دروازه دیگر به طور پیوسته امتداد می‌یافتند و کیلومترها طول داشتند. در شهرهایی که ممکن بود بارندگی به مغازه‌ها و کالاها آسیب برساند، سقفی آجری بر روی راسته بازار می‌ساختند و برای نورگیری و تهویه منافذی در سقف تعبیه می‌کردند. در شهرهای کم‌باران و کوچک از سقف‌های چوبی که با حصیر پوشانده می‌شد نیز

استفاده می‌شد. در دوره رونق شهرها علاوه بر شارستان، ریض هم از بازار جداگانه‌ای برخوردار بود و چه بسا در برخی جایها بازارهای شارستان گردبرگرد مسجد آدینه است و به‌غایت انبوه و آبادان و بازارهای ریض هم آبادان است. هر صنفی رسته‌ای خاص خود داشت که مشاغل و صنف‌های دیگر در آن راه نداشتند و آن بخش معمولاً به نام آن صنف مشهور می‌شد. مثل بازار کفاشان، بازار مسگران و غیره.<sup>۱۶</sup>

### مسجد در شهر مهمترین بنای عمومی تلقی شده و در تفکرات مربوط به شهرسازی اسلامی موفقیت ژوینایی می‌یابد.

بطور کلی بازار از مشخصه‌های مهم شهرهای اسلامی محسوب می‌شود که هنوز هم با گذشت قرن‌ها ارزش و اعتبار خود را از دست نداده است. اساساً فضای بازار تنها به دادوستد و بازرگانی اختصاص نداشت بلکه به مثابه مهمترین شاهراه حیاتی شهر برخی عناصر مهم شهری را در خود جای می‌داد. بازار از نظر کارکردهای اقتصادی - اجتماعی قدرت و دامنه نفوذ وسیعی داشت. «ویژگیهای کارکردی بازار و پیوند با مراکز مهم سه‌گانه سیاسی - اقتصادی و مذهبی موجب جریان یافتن همه فعالیت‌های اجتماعی به سوی بازار می‌شد در هنگام بحرانهای اجتماعی، سیاسی، بخصوص در مقابله با عوامل خارجی، بازار به عنوان سنگر اجتماعی مردم فعال می‌شد.<sup>۱۷</sup> پیش از اسلام، هم در سرزمینهای زیرسلطه ساسانیان و هم در شهرهای قلمرو رومیان بازار وجود داشت ولی تفاوت بارز بازارهای دوره اسلامی با بازارهای پیش از اسلام در این است که در راسته بازارهای تخصصی شهرهای اسلامی تحت تأثیر روحیه تساهل و تسامح مذهبی، مجال کار و فعالیت برای پیروان ادیان مختلف فراهم بوده است. از دیگر امتیازهای بازارهای اسلامی بر بازارهای دوره ساسانیان این بود که تقسیم‌بندی بازار بر مبنای تخصصی حرفه‌ای استوار بوده است نه طبقه و کاست و نهایتاً راسته بازارهای جدیدی چون بازار کتابفروشیها، بازار کاغذفروشان، بازار صحافها پدید آمد که پیش از آن وجود خارجی نداشت.<sup>۱۸</sup> و از سوی دیگر فعالیت‌های مربوط به دباغی، رنگرزی و کارگاههایی که بوهای تند و ناراحت‌کننده تولید می‌کردند در بیرون از دروازه‌های شهر قرار داشتند. از طرفی کارگاهها و تولیداتی که به فضای وسیع احتیاج داشتند در بیرون از دیوارهای شهری مکان‌یابی می‌کردند. گاهی نیز بازارهای مکاره، نمایشگاه، انواع بازی و سرگرمی در بیرون از دروازه‌ها دایر می‌شد.

ساختمانهای مربوط به کاروانها در پشت دیوارهای شهر بنا می‌گشت. در پاره‌ای اوقات مهاجران تازه‌وارد در پشت دیوارهای شهری، حومه خوابگاهی ایجاد می‌کردند. باغهای ثروتمندان و خانه‌های تابستانی آنها نیز در این بخش قرار داشت. گورستانها نیز از جمله مؤسساتی بود که در بیرون از دیوارهای شهری ایجاد می‌شد. با ایجاد حومه خوابگاهی و یا ساختمان در پشت دروازه‌ها، بلافاصله بازارچهای نیز به وجود می‌آمد تا پاسخگوی نیازهای روزانه و هفتگی ساکنان باشد. گاهی نیز در اطراف شهرها میدانهای تیراندازی و اسب‌سواری ایجاد می‌شد تا مسلمانان با تمرینهای مرتب، خود را در برابر دشمنان قوی سازند.<sup>۱۹</sup> نهایت آن که شهرهای سرزمینهای اسلامی واجد جلوه‌هایی است که در سایر شهرها نمودی ندارد. علاوه بر وجود ارگ، مسجد جامع، و بازار که از خصایص ویژه و کالبدی شهرهای اسلامی است مدارس علمیه نیز از ویژگیهای منحصر این گونه شهرها است. اغلب مدارس بزرگ اسلامی در امتداد یا در جوار بدنه بازار و راسته‌های اصلی شهر احداث می‌شدند. شهرهایی مانند تبریز، اصفهان و یزد نمونه‌هایی بارز از این موضوع هستند. ایجاد مدارس از قرن چهارم به بعد در شهرهای ایران اهمیت یافت و حتی موقوفاتی نیز به آنها اختصاص یافت. جنبه‌های مذهبی به عنوان خصوصیت برجسته آنها بدانها موقعیتی با اهمیت می‌بخشید. مسجد و مدرسه چهارباغ اصفهان نمونه جالبی از بناهای اسلامی است که تأثیر فرهنگ مذهبی، و ویژگیهای معماری ایرانی - اسلامی در آن آشکارا به چشم می‌خورد.

بازار از مشخصه‌های مهم شهرهای اسلامی محسوب می‌شود که هنوز هم با گذشت قرن‌ها ارزش و اعتبار خود را از دست نداده است.

اگر گذر جهانگردان غربی را در شهرهای اسلامی پی گیریم درمی‌یابیم که اولین آثاری که توجه جهانگردان غیرمسلمان را به خود جلب می‌نمود مساجد و بقاع متبرکه در این سرزمینها بود. از همین‌گونه است وجود آرامگاههای خاندان پاک پیامبر ﷺ که در جای‌جای سرزمینهای اسلامی گسترده‌اند<sup>۲۰</sup> و معنویتی خاص به این سرزمینها بخشیده‌اند بویژه آرامگاههای ائمه اطهار علیهم‌السلام در کربلا، نجف اشرف، مشهد مقدس، کاظمین، سامرا، مدینه‌النبی و...<sup>۲۱</sup> آرامگاههای فوق در ایجاد شکل خاص در شهرهای اسلامی تأثیری بسزا داشته‌اند. علاوه بر عناصر ذکر شده شهرهای اسلامی از عناصر و مراکز دیگری نیز برخوردار بوده‌اند. از آن جمله است رصدخانه‌ها،

کتابخانه‌ها، حسینیه‌ها و تکایا، خانقاهها یا زاویه‌ها، سقاخانه‌ها و مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه.<sup>۲۲</sup> «مقبره‌های مذهبی در بیشتر شهرها و روستاها به امامزاده معروف شده‌اند و در مقایسه با سایر بناهای اسلامی (بجز مساجد) از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. امامزاده‌ها بیش از دیگر بناهای دوره اسلامی مورد احترام و علاقه مسلمانان بویژه شیعیان هستند. بناهای فوق در طول زمان توسعه یافته و از یک آرامگاه معمولی به مجموعه‌های بسیار باشکوهی تبدیل شده‌اند، مانند مجموعه بناهای مشهد، قم، بسطام و شیخ صفی. تنها در ایران دوره اسلامی است که ایجاد مقبره‌ها و زیارتگاهها از چنین پیشینه طولانی، ویژگیهای معماری منحصر به فرد و تزئینات باشکوه برخوردار است. این گونه بناها به نامهای برج، گنبد، بقعه و مزار نیز معروف بوده‌اند، مانند برج رادکان، گنبد قابوس یا بقعه شیخ صفی.<sup>۲۳</sup> نهایت آن که عناصر کالبدی شهرهای اسلامی اکثراً برگرفته از فرهنگ غنی اسلام و نشانگر تمدن و فرهنگ اسلامی‌اند. در سیمای

---

**علاوه بر وجود ارگت، مسجد جامع، و بازار که از خصایص ویژه و کالبدی شهرهای اسلامی است مدارس علمیه نیز از ویژگیهای منحصر این گونه شهرها است.**

---

شهرهای اسلامی با عناصری مواجهیم که هر کدام منشأ خاصی دارند و از سوی دیگر هر یک نشانگر موضوعی خاص برگرفته از این آیین مقدس‌اند. به عنوان مثال اگر در شهرهای اسلامی سقاخانه‌ها به وجود آمده‌اند ضمن آن که با بزرگداشت سنت آب دادن و سیراب کردن مردمان ارتباط داشته، برتر از آن، با هدف یادآوری واقعه جانسوز کربلا و تشنگی حضرت اباعبدالله‌الحسین (علیه السلام) و فرزندان او بوده و نمودی از مبارزه با ستمگری و در واقع امری سیاسی - مذهبی به شمار می‌رفته است. بر همین اساس است که غالباً جهت حفظ سقاخانه‌ها موقوفاتی خاص قرار داده‌اند تا در طول تاریخ پایدار و پابرجا بمانند. اما واقعیت آن است که در اکثر کشورهای اسلامی و حتی کشور خودمان ایران حداقل در نیم قرن اخیر چنان که باید به حفظ پاسداری و نمایان نمودن ارزشهای به جای مانده فرهنگی مذهبی در شهرها توجه نگردیده است. زمانی که سراغ مساجد جامع و یا بقاع متبرکه و سایر مراکز مهم مذهبی - فرهنگی کهن شهرهای کشورمان را می‌گیریم آنها را در کدام قسمت شهر می‌یابیم؟ حداقل آن است که در کنار گذرها و خیابانهای اصلی شهر قرار نداشته و در منظر عمومی شهرها نمودی ندارند. بجاست تا مسؤولان، ضمن حفظ و نگهداری آثار اسلامی شهرها در رونق و شکوه آنها کوشش شایسته

کنند. هنگامی که می‌شنویم مثلاً میدان مرکزی زاگرب پایتخت کشور کوچکی همچون «کرواسی» که مدتی نسبتاً طولانی تحت تسلط استعمار شرق و غرب قرار داشته «میدان مسجد» نامیده می‌شود<sup>۲۴</sup> ما در این زمینه چه جایگاهی را داریم؟ چه تعداد از شهرهای ما جهت انتخاب عناوین خیابانها و گذرهای اصلی شهر از واژه‌هایی همچون «مسجد»، «امام»، «امامزاده» و غیره بهره برده‌اند؟ آیا شایسته نیست تا مثلاً خیابانی را که مسجد جامع در آن واقع است به نام خیابان مسجد جامع بنامیم و همچنین است سایر عناصر. با امید بر تحقق این امر. ان‌شاءالله

### پی‌نوشتها و مأخذ

- ۱ - میرمحمدی، حمیدرضا، «تأثیر فرهنگ اسلامی بر پیدایش و دگرگونی شهرها»، مشکوة، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۷۵، ص ۷۹.
- ۲ - میرمحمدی، حمیدرضا، «پژوهشی در مکانهای ملقب به مشهد در ایران»، مشکوة، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۷۴، ص ۶۲.
- ۳ - نظریان، علی‌اصغر، جغرافیای شهری ایران، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۱۷.
- ۴ - ابن‌حوقل، صورة الارض ترجمه دکتر جعفر شمار، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶، ص ۱۶۷.
- ۵ - اصطخری، مسالک الممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰، ص ۱۷۰.
- ۶ - سلطانزاده، حسین، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران، آگاه، ۱۳۶۲، ص ۱۲۴.
- ۷ - پیشین، ص ۱۲۳.
- ۸ - شکوهی، حسین، جغرافیای اجتماعی شهرها، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۵، ص ۲۰۱.
- ۹ - سعیدی رضوانی، عباس، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۴.
- ۱۰ - مشهدیزاده دهقانی، ناصر، تحلیلی از ویژگیهای برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۳، ص ۲۴۵.

- ۱۱ - پیشین، ص ۲۵۰.
- ۱۲ - پیشین، ص ۲۵۷.
- ۱۳ - جغرافیای شهری ایران، ص ۲۴.
- ۱۴ - تحلیلی از ویژگیهای برنامه‌ریزی شهری در ایران، ص ۲۸۱ و ۲۷۹.
- ۱۵ - پاک‌نژاد، رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، جلد ۲، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌تا، ص ۱۱۷.
- ۱۶ - روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، ص ۱۲۶.
- ۱۷ - جغرافیای شهری ایران، ص ۲۷.
- ۱۸ - بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ص ۱۱۰.
- ۱۹ - جهت بررسی اکولوژی اجتماعی شهرهای اسلامی مراجعه کنید به: جغرافیای اجتماعی شهرها، ص ۱۹۱ تا ۲۰۱.
- ۲۰ - لازم به توضیح است که در فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور، تألیف دکتر محمدحسین پاپلی یزدی از انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، حدود ۴۰۰۰ مکان مذهبی در کشور شناسایی شده است.
- ۲۱ - جهت آگاهی بیشتر مراجعه کنید به: آرامگاههای خاندان پاک پیامبر و بزرگان صحابه و تابعین، تألیف سید عبدالرزاق کیمونه حسینی، ترجمه عبدالعلی صاحبی که بخشی از آرامگاههای خاندان پیامبر ﷺ را معرفی نموده است.
- ۲۲ - مراجعه کنید به بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ص ۱۵۸-۹۹.
- ۲۳ - کیانی، محمدیوسف، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴، ص ۱۰.
- ۲۴ - واعظزاده خراسانی، محمد، «بوسنی و هرزگوین و سمینار قرآن کریم»، مشکوة، شماره ۵۰، بهار ۱۳۷۵، ص ۶.